

تربیت دینی فرزندان وسیله آرامش خانواده

از سال ۸۶ «روز خانواده» در تقویم رسمی کشور درج شده است. علت انتخاب این روز، شأن نزول سوره «هل اتی» یا «الانسان» و یا «دهر» است که پاداش یک دلی واستحکام پایه‌های خانواده را بیان می‌کند عنوان شده است.



به بهانه سالروز نزول سوره «هل اتی» و روز خانواده

تربیت دینی فرزندان وسیله آرامش خانواده

از سال ۸۶ «روز خانواده» در تقویم رسمی کشور درج شده است. علت انتخاب این روز، شأن نزول سوره «هل اتی» یا «الانسان» و یا «دهر» است که پاداش یک دلی واستحکام پایه‌های خانواده را بیان می‌کند عنوان شده است. سوره هل اتی در روز ۲۵ ذی الحجه در شان اهل بیت پیامبر (ص) نازل شد که پس از سه روز روزه و انفاق افطار خود، از طرف خداوند اطعام شدند.

خانواده به عنوان کوچک ترین نهاد اجتماعی، آسیب پذیرترین گروه در برابر آسیب‌های اجتماعی است به طوری که اکثر مشکلات و آسیب‌ها ابتدا در خانواده‌ها بروز پیدا می‌کند و در صورت عدم پیشگیری و برخورد نا صحیح با آنها، به درون جامعه نیز رسوخ می‌کند و در این شرایط دشوار دیگر نمی‌توان به راحتی مشکلات و آسیب‌ها را کنترل کرد. بی شک با انجام فرامین دین اسلام در مورد خانواده می‌توان تا حد زیادی زمینه سلامت خانوادگی و سعادت و جاودانگی را برای خود و جامعه فراهم ساخت.

خانواده تنها نظام اجتماعی است که در همه جوامع، از مذهبی و غیرمذهبی پذیرفته شده و در جوامع گوناگون دارای نقش، پایگاه و منزلت‌های گوناگون است، با اینکه خانواده هسته‌ای کوچک از اجتماع است، در حیات اجتماعی مردم نقش و تأثیری فراوان دارد. خانواده هسته اول همه سازمان‌ها و نهادهای اجتماعی است همه نقش‌های مربوط به ایجاد تمدن و انتقال موارث و رشد و شکوفائی انسانیت به آن مربوط می‌شود و نیز همه سنت‌ها، عقاید و آداب و ویژگی‌های فردی و اجتماعی از طریق خانواده به نسل جدید انتقال می‌یابد.

جامعه متشکل از خانواده‌هاست، مختصات آن از طریق روابط خانوادگی قابل توصیف است. اثر وجودی مفید و یا زیانبخش آن، به جامعه هم می‌رسد. ساخت و مشی آن در سکون یا اضطراب جامعه مؤثر است. انگیزه اعضایش در انگیزه‌های اجتماع تأثیر می‌گذارد. چگونگی مشی و سبک زندگی آن در اخلاق جامعه و در صحت یا بیماری آن نقشی مؤثر دارد.

* تربیت دینی فرزندان

مطالبی که پیش رو دارید، گزارشی اجمالی از فرایند تربیت دینی فرزندان است که پس از اشاره به ابعاد مختلف دوران کودکی و نوجوانی، به بیان حقوق فرزندان، مسئولیت‌های والدین و عوامل دین‌گریزی جوانان می‌پردازد.

* واقعیت‌ها و بایسته‌ها:

یکی از شاخصه‌های نظام‌های دینی توجه به واقعیت پیش از بیان مسئولیت‌ها است.

اساساً در میان نظام‌های تربیتی، آن سیستمی موفق‌تر است که پیش از بیان «بایدها و نبایدها» به «هست‌ها و نیست‌ها» توجه نماید.

بنابراین بر ما لازم است که با غرایز، روحیات، عواطف، احساسات، نیازها و ابعاد مختلف فرزندان خود آشنا شویم و در همان قالب‌ها به برنامه‌ریزی برای تربیت دینی آن‌ها بپردازیم.

* الف) سن مناسب برای برنامه‌های تربیتی:

از آنجا که بنابر مطالعات روان شناختی و آموزه‌های دینی، عوامل مختلف وراثتی و ژنتیکی و حتی محیطی از آغاز شکل‌گیری نطفه بر انسان تأثیر به سزائی دارند، باید از دوران انتخاب همسر و حتی پیش از آن برای برخورداری فرزندان آینده مان از تربیتی سالم و مناسب، زمینه سازی نمائیم.

بر همین اساس، پیامبر اکرم (ص) از ازدواج با همسران ناشایست نهی فرموده و فرزندان به دنیا آمده از آنها را تباہ شده و از دست رفته می‌شمارد.

امیر مؤمنان (ع) نیز خصلت‌های زشت و زیبا در روح و روان انسان‌ها را متأثر از شیر مادران می‌داند.

آزمایش‌های تجربی در این زمینه نیز این واقعیت را تأیید می‌کند که انسان از دوران جنینی نسبت به محیط و صداهاى مختلف اطراف خود حساس بوده و به خصوص از مادر و سخنان و روحيات وی تأثیر می‌پذیرد. به همین دلیل، در اسلام به پدران سفارش شده است که از روزی حرام اجتناب ورزند و آداب ویژه‌ای را به هنگام انعقاد نطفه رعایت کنند. به مادران توصیه شده که در دوران بارداری، مراقب اندیشه‌ها و رفتارهای خویش بوده، همواره در طهارت جان و پاکیزگی تن و روان تلاش کنند؛ چرا که از کوزه همان برون تراود که در او است.

پس از ولادت نیز فرزندان به طور مستقیم در معرض برخی آداب و مراسم مذهبی قرار می‌گیرند؛ آدابی مانند خواندن اذان در گوش راست و اقامه در گوش چپ که در روایات به عنوان پناهی در برابر وسوسه‌های شیطانی شمرده شده است؛ کام گرفتن کودک با تربت امام حسین (ع)؛ انجام غسل ولادت؛ ختنه کردن؛ عقیقه کردن؛ صدقه دادن به وزن موی سر کودک از طلا یا نقره و به وزن بدنش از خرما و امروزه از نظر علمی نیز تأثیر بسیاری از این اعمال بر آینده کودک غیرقابل انکار است.

با این حال، بدیهی است که فرزندان را نمی‌توان از آغاز تولد به طور مستقیم مورد تعلیم و تربیت قرار داد و ناچار باید منتظر پیدایش زمینه‌های یادگیری و تربیت پذیری در آنها بود. در این باره که آموزش و پرورش دینی فرزندان را از چه سنی باید آغاز کرد، میان دانشمندان و کارشناسان امور تربیتی اختلاف نظر است.

برخی با هر گونه تعلیم و تربیت مذهبی تا پیش از بلوغ مخالفند، ولی عده‌ای دیگر با تأکید بر آمادگی و استعداد اطفال برای تربیت پذیری، بر این باورند که می‌توان برخی معلومات دینی را به طور ساده و قابل فهم به آنها عرضه نمود و با تلقین، آنها را در این فضای مقدس قرار داد.

جان لاک از اندیشمندان غربی نیز معتقد است که تربیت دینی را باید از کودکی آغاز کرد. وی می‌گوید: « اندیشه خدا را از همان آغاز کودکی می‌توان در نهاد فرزندانمان جای داده، عشق و احترام به خدا را در روانشان بدمیم. »

به نظر می‌رسد برای یافتن سن مناسب برای آغاز برنامه‌های تربیتی باید سن طبیعی گرایش فرزندان به دین و مذهب را شناخت. بررسی‌های روان کاوان نشان می‌دهد که آغاز پیدایش حس مذهبی در کودکان به ماه‌های قبل از چهارسالگی باز می‌گردد و حتی گاه در حدود ۲ تا ۳ سالگی ظاهر می‌شود. کودکان از سه سالگی، علاقه بسیار به دعا و سرودهای مذهبی داشته، از تکرار و خواندن دعاهاى دسته جمعی، لذت بسیار می‌برند. از حدود ۴ سالگی، کنجکاوی سراسر وجود کودک را فرا می‌گیرد و درباره حقایق مختلف جهان و از همه مهم‌تر آفریدگار جهان می‌پرسد. این مرحله، سن طبیعی کودک برای پذیرش مفهوم خداوند است.

کودک چهار ساله، پدر خود را به بزرگی و اهمیت خدا می‌داند و تلقی او از خدا همچون پدر، ولی بزرگ تر است. او حتی گاه خدا را همچو عضوی از خانواده به حساب می‌آورد.

احساس مذهبی با رشد و افزایش سن کودک آشکارتر می‌شود و در شش سالگی به روشنی می‌توان تظاهر به رفتارهای مذهبی را در کودکان مشاهده کرد. یک کودک شش ساله با علاقه تمام درباره خدا پرسش نموده، خواستار آشنائی و صحبت با او است و درخواست‌های غالباً مادی خویش همچون اسباب بازی، خوراک و پوشاک را با او در میان می‌گذارد، به تدریج در سن هفت سالگی، خدا را مقامی قدرتمند و بالاتر از والدین می‌شناسد.

بر همین اساس، امام باقر (ع) در حدیثی مفصل به تشریح وظایف اولیا در تربیت ایمانی فرزندان از سن سه سالگی می‌پردازد: در سه سالگی کلمه توحید «لا اله الا الله» را به کودک بیاموزید و در چهارسالگی با نبوت پیامبر اسلام آشنایش سازید و در پنج سالگی صورتش را به قبله کنید و سجده بر زمین را یادش دهید. در شش سالگی رکوع و سجود را به شیوه صحیح به او بیاموزید و در هفت سالگی وضو و نماز را به طور کامل آموزش دهید.

براساس این حدیث شریف، کودک را باید در سه سالگی با خداوند، در چهار سالگی با نبوت و در پنج و شش سالگی با پرستش به شیوه‌های مختلف آشنا ساخت، تا آن که در هفت سالگی بتوان مجموعه نماز را به عنوان نمادی از کل دین و به تعبیر روایات ستون دین به او القاء نمود.

نکته مهم دیگر در این میان توجه به پرسش‌های دینی کودکان است.

آنها بر مبنای سیر پیش گفته به پرسش درباره مذهب و موضوعات دینی پرداخته، برکسب درک و فهم خود، سوالات متفاوتی از اطرافیان می‌پرسند.

در شش سال اول درباره منشأ و علت اشیاء سؤال می‌کنند: من از کجا آمده‌ام؟ آسمان را که درست کرده است؟ و

در سن ۷ تا ۱۰ سالگی سوال‌هایی عمیق تر می‌پرسند و خواهان پاسخ‌هایی مستدل‌تر هستند: چرا خدا دیده نمی‌شود؟ چگونه خداوند در همه جا حضور دارد؟ خدا چیست؟ انسان‌ها چگونه در قیامت دوباره زنده می‌شوند؟

در سنین نوجوانی به دلیل افزایش آگاهی‌ها و معلومات بر دامنه و عمق سوالات افزوده می‌شود. اگر مبانی اعتقادی در سال‌های پیش در ذهن‌شان جای گرفته باشد، پاسخ به سوالات بعدی آسانتر خواهد بود؛ زیرا پاسخ‌هایی که در سنین قبل شنیده‌اند، فضائی اعتقادی در ذهن‌شان ترسیم نموده و در آن فضا به اندیشه و پرسش می‌پردازند.